

مغربیان و تجارت خارجی مصر در روزگار سلطه آل عثمان (1213-923 ه/ 1798-1517 م)

مریم اسمعیلی¹، ولی الله برزگر کلیشمی²، مهدی عبادی³
(دریافت مقاله: 96/09/04 - پذیرش نهایی: 96/10/24)

چکیده

سرزمین مصر به سبب موقعیت جغرافیایی استراتژیک، همواره نقش تأثیرگذاری در اقتصاد دنیای پیشامدرن داشته است. در دوره اسلامی مصر علاوه بر این که مسیر عبور کاروان‌های تجاری بود، گذرگاه اصلی کاروان‌های حج از مناطق شمال آفریقا نیز به شمار می‌رفت. فتح قاهره توسط سلطان سلیم اول در 923 ه/ 1517 م به رغم برخی آسیب‌ها بر پیکر اقتصاد مصر، فرصت‌های جدیدی به‌ویژه در حوزه تجارت خارجی، فراروی مصر نهاد. پیشران و محرک اقتصاد تجاری در مصر علاوه بر تاجران مصری و شامی، خاندان‌های مغربی بودند که از مناطق بیرون از مصر نظیر الجزائر، تونس، طرابلس، اندلس و مراکش به مصر مهاجرت کرده بودند. این خاندان‌ها با حضور در عرصه‌های مختلف تجاری و اقتصادی، نقش گسترده‌ای در رونق اقتصادی و تجاری مصر عثمانی داشتند. در جستار حاضر ضمن معرفی مهم‌ترین خاندان‌های بازرگان مغربی و موقعیت آن‌ها، به وصف و تبیین نقش تجاری این خاندان‌ها و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر اقتصاد مصر در روزگار تسلط آل عثمان پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: تجارت خارجی مصر، خاندانهای تاجر، مصر دوره عثمانی، مغربیان

1. کارشناس ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین؛

Email: esmailmaryam83@yahoo.com

2. استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین (نویسنده مسؤول)؛

Email: v.barzegar@isr.ikiu.ac.ir

Email: m.ebadi@pnu.ac.ir

3. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه پیام نور؛

مقدمه

تجارت به‌ویژه تجارت خارجی، یکی از پایه‌های مهم اقتصاد کلاسیک به شمار می‌رود و رونق و افول آن تأثیر شگرفی در شکوفایی یا رکود نظام اقتصادی خاندان‌های حکومتگر داشته است. بر همین اساس، بررسی تاریخ تجارت، خاصه تجارت خارجی از جایگاه مهمی در تحلیل فراز و فرود دولت‌ها و رونق و افول جوامع انسانی برخوردار است. در این پژوهش تجارت خارجی مصر و نقش مغربیان به‌عنوان گروهی تأثیرگذار در این زمینه، بررسی شده است. مصر به‌واسطه موقعیت ممتاز جغرافیایی و قرار گرفتن در مسیر کاروان‌های حج از سرزمین‌های واقع در شمال آفریقا (عبدالرحیم، *فصول من تاریخ مصر الاقتصادی...، ۱۹۰*)، به میعادگاه حاجیان و تاجران مغربی مبدل شده بود. این موقعیت زمینه مناسبی را فراهم کرد تا تعداد قابل‌توجهی از مغربیان برای دادوستد رهسپار مصر شوند و در سایه فعالیت‌های خویش سهم قابل‌توجهی را در تجارت خارجی آن به خود اختصاص دهند. ابتدای دوره عثمانی هر چند با انتقال صنعت‌گران و تاجران مصری و مغربی به استانبول، بنابر خواست سلیم اول، حضور آن‌ها در مصر کم رنگ شد، اما از استمرار نقش‌آفرینی خاندان‌های مغربی در اقتصاد مصر به‌ویژه تجارت خارجی آن فرو نکاست. مشارکت مغربیان در این دوره نیز تنها به برقراری روابط تجاری مصر با سرزمین‌های مغربی محدود نماند و در سایه فعالیت‌های تجاری مغربی‌ها به سرزمین‌های آسیا، آفریقا، اروپا و استانبول کشیده شد. در سطور پیش رو در کنار بررسی مهم‌ترین خاندان‌های مغربی نقش‌آفرین در تجارت خارجی مصر، چگونگی حضور خاندان‌های مغربی و نقش اقتصادی آن‌ها در روابط خارجی مصر در این دوره، تبیین خواهد شد.

پیش از پژوهش حاضر، عبدالرحیم عبدالرحمن عبدالرحیم در کتاب *المغاربة فی مصر فی العصر العثماني و حسام محمد عبدالمطی در العائلة و الثروة - البيوت التجارية المغربية فی مصر العثمانية* به حضور و نقش مغربی‌ها در مسائل تجاری مصر در عهد عثمانی توجه داشته‌اند. این آثار هرچند متناسب با موضوع این مقاله، مطالب ارزنده‌ای در خصوص خاندان‌های مغربی مستقر در مصر و نقش اقتصادی آنان در حیات اقتصادی و تجارت خارجی مصر ارائه می‌کنند، اما اشاره‌ای به شرایط کلی تجارت خارجی مصر در این دوره تاریخی و میزان تأثیرگذاری عثمانیان در روند آن ندارند.

تجارت خارجی مصر

موقعیت جغرافیایی مصر در کنار وسعت سرزمینی آن، این منطقه را پیوسته به‌عنوان

یکی از شاهراه‌های اصلی تجارت جهانی در خشکی و دریا بین سرزمین‌های واقع در شمال و جنوب و همسایگان شرقی و غربی آن تبدیل کرده بود. برخورداری از چنین نعمت خدادادی ضمن آن که می‌توانست برای سرزمین مصر نعمت، ثروت و رفاه به ارمغان آورد، طمع قدرت‌های بزرگ و کشورگشایان را نیز همواره برای تصاحب و تسلط بر آن برمی‌انگیخت. این موقعیت، مصر دوره عثمانی را نیز به میدانی برای رقابت و فعالیت قافله‌های تجاری سرزمین‌های مختلف تبدیل کرد و تجارت خارجی آن را تحت تأثیر قرار داد. در ابتدای این دوره، عثمانی‌ها با بهانه اشرف دریای سرخ بر شهرهای مقدس مکه و مدینه، از ورود کشتی‌های تجاری اروپایی به این دریا ممانعت کردند (رمضان، مصر قبل عبدالناصر، ۶۳؛ همو، *الاسکندریه فی العصر الحدیث*، ۱۴). از این رو، تجارت خارجی مصر سیری نزولی یافت و به دنبال آن رکود را تجربه کرد (حامد مغیث، ۴۰)؛ ولی سیاست مذکور پس از تثبیت حاکمیت آل عثمان در مصر، با وساطت شریف مکه ملغی شد و تجارت خارجی مصر با خروج از رکود، شرایط و رونق پیشین خود را بازیافت (همانجا). پایان بخشیدن به انحصار تجارت فلفل و نظایر آن از دریای سرخ در ۹۲۳ هـ/۱۵۱۷ م از دیگر اقدامات مهم عثمانی‌ها در تجارت بود (حنا، ۱۰۹). مسکوکات نیز به‌عنوان رکنی مؤثر در تجارت داخلی و خارجی مصر؛ شاهد ظهور ناخالصی و کاهش وزن و عیار بود. کارگزاران عثمانی به‌منظور تأمین اهداف و منافع مالی خویش در سرزمین مصر از عنایت به مسکوکات غفلت نکردند. *قانون‌نامه مصر* که حاوی دستوراتی در خصوص نوع طلا برای ضرب سکه‌ها است، نمونه بارز توجه آل عثمان به این بخش است (مخلوف، ۳-۱۵۱؛ Barkan, 386-7). این دخالت در عیار سکه‌ها، از سوئی به هرج‌ومرج و آشفتگی در فعالیت‌های اقتصادی (ابن ایاس، ۱۷۴/۵؛ دمرداشی، ۶۵؛ بکری، *الروضة المأنوسة فی اخبار مصر المحروسة*، ۸-۹؛ باشامبارک، ۱۹۸۹، ۳-۲۲) و از سوی دیگر به تعطیلی بازارها در مصر منجر شد که به‌روشنی از اختلال در تجارت مصر حکایت دارد. برای مثال مورخان در بیان حوادث سال‌های ۹۲۶ هـ/۱۵۲۰ م، ۹۲۷ هـ/۱۵۲۱ م، ۹۲۸ هـ/۱۵۲۲ م، ۱۰۴۴ هـ/۱۶۳۴ م، ۱۱۲۴ هـ/۱۷۱۲ م (ابن ایاس، ۳۴۱/۵ و ۴۰۲ و ۴۶۲-۳؛ باشامبارک، ۲۲؛ بقای، ۴۵) و حکومت کسانی نظیر محمود پاشا^۱ و سلیمان پاشا^۲ وزیر (بکری، *المنح الرحمانیة فی الدولة العثمانیة*، ۱۵۲ و ۱۸۲) به تعطیلی بازارها اشاره کرده‌اند.

۱. محمود پاشا از ۱۵۶۷/۹۷۳ تا ۱۵۶۷/۹۷۵ والی مصر بود (نک. اسحاقی، ۱۳۶).

۲. سلیمان پاشا در سال ۹۳۱ هـ/۱۵۲۴ م والی مصر شد و بعد از مدتی عزل شدن در سال ۹۴۳ هـ/۱۵۳۶ م بار دیگر به قدرت رسید (همانجا).

تجارت خارجی مصر در دوره عثمانی علاوه بر تأثیرپذیری از حوادث و تحولات سیاسی، با ظهور و رشد فعالیت خاندان‌های تجاری، از جمله خاندان‌های مغربی، روند متفاوتی را در مقایسه با ادوار قبلی در پیش گرفت. خاندان‌های تجارت پیشه، در این دوره نقشی نظیر نمایندگی‌های تجاری بزرگ را در مصر ایفا کردند. در دوره فاطمیان و ممالیک به‌ویژه بعد از سقوط غرناطه در ۸۹۸ هـ/ ۱۴۹۲ م شماری از مغربیان راهی مصر شدند (عبدالمعطی، ۱۵). در دوره عثمانی مهاجرت مغربیان به مصر به دلایل سیاسی، اقتصادی و دینی - فرهنگی افزایش یافت (عبدالرحیم، المغاربة فی مصر فی العصر العثماني، ۱۶-۲۷). اخراج مسلمانان از اندلس، یورش‌های اسپانیا به سواحل مغرب و غارتگری در این منطقه (همو، فصول من تاریخ مصر والاقتصادی...، ۱۸۸)، گسستگی سیاسی مغرب پس از سقوط دولت موحدین (۶۶۷ هـ/ ۱۲۶۹ م) که افزایش مالیات‌ها و نابودی زراعت و صنعت را به همراه داشت (همو، المغاربة فی مصر فی العصر العثماني، ۲۰) و همچنین عوامل دیگری مانند حج، تحصیل و شرایط تجاری مناسب‌تر در مصر در مقایسه با مغرب، زمینه‌ها و علل اصلی این مهاجرت بود (عبدالمعطی، ۱۵-۳۰). بدین ترتیب جمع زیادی از تاجران، هنرمندان و برخی از قبایل مغربی رو به سوی شرق نهادند که در این میان مصر با توجه به پیوستگی و نزدیکی جغرافیایی آن با مغرب، به‌ویژه وجود آزادی چشمگیر و قابل توجه برای فعالیت‌های تجاری، مقصد و محل سکونت شمار زیادی از مغربی‌ها شد (عبدالرحیم، المغاربة فی مصر فی العصر العثماني، ۱۹؛ هریدی، اللیبیون و حیاتهم الاقتصادية...، ۷-۲۰۶). حضور چشمگیر مغربی‌ها در مصر، فصل جدیدی از فعالیت‌های تجاری خاندان‌های مغربی به‌ویژه در حوزه تجارت خارجی را فراهم ساخت. خاندان‌های مغربی در مصر اغلب با پسوندهایی مانند طرابلسی، تونسسی، جزائریه، مراکشی و اندلسی شناخته می‌شدند و در دوره تسلط عثمانی‌ها در روابط تجاری مصر با سرزمین‌های مختلف آفریقا، آسیا و اروپا نقش برجسته‌ای ایفا کردند.

الف. مغربیان و روابط تجاری مصر با آفریقا

آفریقا یکی از حوزه‌هایی است که به دلایل گوناگون همواره در تجارت خارجی مصر جایگاهی درخور توجه داشته است. قرار گرفتن مصر در مسیر راه‌های ارتباطی سرزمین‌های آفریقایی و شرق جهان اسلام و نیز مسیر حجاج مغربی و نیازهای تجاری این دو سرزمین، به‌طور طبیعی جایگاه مهمی را برای شمال آفریقا در تجارت خارجی

مصر فراهم می‌ساخت. مناسبات تجاری مصر و مغرب با تسلط عثمانیان و اهداف اقتصادی آنان در این منطقه، همچون گذشته از طریق کاروان‌های زمینی و راه‌های دریایی استمرار یافت. دولت عثمانی پس از سیطره بر مصر درصدد برآمد زمینه را برای انتقال طلاهای معادن آفریقایی به خزانه دولت عثمانی فراهم کند. برای تحقق این هدف و رونق بخشیدن به تجارت طلا، تاجران خاک طلا در مصر، از پرداخت عوارض گمرکی معاف شدند (کامل عبده، ۲۰۱۴، ۳۲۹، ۴۴۶). همچنین در ۹۳۷ هـ/۱۵۳۰ م پیمان‌های متنوعی بین تجارت‌خانه‌هایی منعقد شد که با هدف استخراج خاک طلا به‌سوی تکرور (در سودان؛ نک: یاقوت حموی، ۲/ ۳۸) عازم بودند. تاجران مغربی با توجه به قدرت مالی خود، جایگاه مهمی در این پیمان‌ها داشتند (عبده، ۳۳۱). خاندان‌های طرابلسی، مراکشی و اندلسی از جمله مغربانی بودند که به تجارت طلا در این دوره اشتغال داشتند. خاندان‌های طرابلسی نقش فعالی در تجارت طلای آفریقا ایفا می‌کردند و از این طریق برخی عائله‌های آن نظیر تربانه، رحومه، مؤمن و غریانی به ثروت فراوانی دست یافتند (عبدالمعطی، ۴۷). خاندان‌های مراکشی نیز در این تجارت سهیم بودند و با مراکز تولید طلا در غرب آفریقا ارتباط داشتند. عائله عشویی از جمله خاندان‌های مراکشی بود که در سایه فعالیت‌های خویش کانون تجارت طلا به شمار می‌آمد (همان، ۱۰۳). خاندان‌های اندلسی نیز همپای دیگر مغربیان در تجارت طلای مناطق غرب آفریقا مشارکت داشتند. عائله صباغ یکی از خاندان‌های مهم اندلسی در زمینه تجارت طلا در سده دهم و اوایل سده یازدهم هجری/ شانزدهم و هفدهم میلادی بود. زمان دقیق هجرت این خاندان به مصر روشن نیست. حاج محمد بن محمد بن مسعود اندلسی مشهور به صباغ، بزرگ این خاندان، با افراد خویش در تکرور و حوزه تجارت طلا فعالیت می‌کرد. خواجه محمد صباغ نیز از دیگر افراد این عائله به شمار می‌آمد که در تجارت طلا صاحب سرمایه بود (همان، ۵-۱۱۲).

قافله‌های دارفور در سودان (تونسی، ۳-۱۳۲)، قَزَّانُ (بین فیوم و غرب طرابلس (یا قوت حموی، ۴/ ۲۶۰) و سنَّار در مصر (مهري، ۳۴۳) از قافله‌های مهم تجاری میان مصر و آفریقا در این عصر به شمار می‌آمدند که با ایفای نقش مؤثر در حمل‌ونقل و مبادله کالاهای صادراتی و وارداتی همانند دندان فیل، انواع پارچه‌های حریر و پشمی، پوست، تمر هندی، مرجان، برده و نظایر آن‌ها، روابط تجاری طرفین را گسترش دادند (جیرار، ۱/ ۵۳-۲۳۶). قبایل بربر ساکن در سواحل شمال آفریقا نیز از طریق کشتی‌های

تجاری به‌ویژه کاروان‌های حج توانستند روابط تجاری را با مصر در این دوره برقرار کنند و ضمن بردن کالاهای خود به این منطقه از کالاهای مصری و یا دیگر مناطق نیز در این سرزمین بهره‌مند شوند (همان، ۸-۲۵۳). عمده اقلام وارداتی از سرزمین‌های آفریقایی به مصر شامل عاج، پارچه‌های سودانی و حبشی، پر شترمرغ و دندان بود که در میان آن‌ها برده به‌ویژه برده منطقه‌ای بنام کُردُفان (در سودان) بیشترین حجم را به خود اختصاص می‌داد (عبدالله ابوالروس، ۱۵۹). همچنین روغن‌زیتون یکی از مهم‌ترین اقلام تجاری بین مصر و مغرب بود که واردات آن در انحصار مغربیان قرار داشت (عبدالمعطی، ۹-۱۹۸). خاندان‌های طرابلسی و تونسی نیز از جمله مغربیان مؤثر در تجارت زیتون بودند (همان، ۴۶، ۵۷). خواجه سعید بن سالم زواری طرابلسی که رئیس صنف تاجران زیتون در بولاق بود، همراه دیگر اعضای خاندانش انحصار صادرات زیتون به حرمین شریفین را برای بیش از سی سال در اختیار داشت و از این طریق به ثروت فراوانی دست یافت (همان، ۷-۴۶). در مقابل این کالاهای وارداتی، کالاهای مصری و کالاهای سرزمین‌های دیگر مانند پارچه‌های کتانی و حریر مصر و سوریه، پشم، شکر، کالاهای شیشه‌ای و نظایر آن از طریق قافله‌های مذکور و تاجران به سرزمین‌های آفریقایی انتقال می‌یافت (جیرار، ۷/۱-۲۴۳، ۲۵۰، ۲۵۳).

ب. مغربیان و روابط تجاری مصر با آسیا

قافله‌های تجاری که در مسیر مصر به مکه فعالیت می‌کردند، عملاً مناسبات تجاری این منطقه با سرزمین‌های آسیایی را برقرار می‌کردند (همان، ۱/۲۵۹). روابط تجاری مصر با سرزمین‌های آسیایی از طریق کاروان‌های زمینی یا ارتباط بندرهای مصر با بندرهای شام نظیر لاذقیه، بیروت، یافا و عکّا، صورت می‌پذیرفت. کالاهایی چون صابون، روغن زیتون، کنجد، پارچه‌های حریر و نظایر آن از مناطق فوق به مصر ارسال می‌شد (همان، ۲۶۲). همچنین قهوه یمن و کالاهای هندی نظیر ادویه، پارچه و شال کشمیر به‌وسیله تاجران و حاجیان شامی، مغربی و مصری از حجاز به مصر انتقال می‌یافت (علی عمر، ۲۶۴-۲۶۵؛ عبدالله ابوالروس، ۸-۱۵۶).

تاجران مراکشی از جایگاه مهمی در تجارت پارچه‌های هندی برخوردار بودند و در عمل انحصار تجارت آن را در اختیار داشتند (عبدالمعطی، ۸۷). علاوه بر جایگاه مهم مراکشی‌هایی نظیر عائله‌های شراییبی و ابن‌مشیش در تجارت پارچه‌های هندی (همان،

۹۶، ۱۰۶)، خاندان‌های اندلسی نیز در مسیر تجاری هند، جده و قاهره فعالیت می‌کردند (همان، ۱۱۲). عائله کهن از تاجران بزرگ پارچه‌های هندی به شمار می‌آمد و نمایندگی تجاری بزرگی در قاهره داشت (عبدالرحیم، *المغاربة فی مصر فی العصر العثماني*، ۷۲). روابط بین مصر با مناطقی نظیر حجاز و یمن از دیگر تعاملات مهم دوره عثمانی است. خاندان‌های مغربی در روابط تجاری بین مصر با جزیره‌العرب و یمن فعالیت چشمگیری داشتند (عبدالرحیم، *فصول من تاریخ مصر الاقتصادية...*، ۲۰۶). خواجه محمد از عائله ابن‌مندیل با داشتن وکیلی به‌نام عاشور محمد در مخا(بندری در یمن) به تجارت قهوه مشغول بود (عبدالمعطی، ۸۴). خاندان‌های مراکشی نیز از نقش مهمی در تجارت با مخا، عدن و هند برخوردار بودند و عائله‌های شرایبی، جسوس، عشوبی، جلون و بنانی با فعالیت در تجارت قهوه صاحب شهرت و ثروت بودند (همان، ۱۰۹-۸۷). غلات هر ساله از مصر به حرمین شریفین ارسال می‌شد. به‌علاوه کالاهایی چون روغن‌زیتون، پنیر، آرد، سرکه و شنبلیله توسط تاجران مصری به حجاز ارسال می‌گشت و در مقابل مصر نیز از کالاهای هندی موجود در این سرزمین بهره‌مند می‌شد (عبدالله أبوالروس، ۸-۱۵۶). در سایه برقراری این تعامل علاوه بر کالاهای دو سرزمین، کالاهای مناطق دیگر نیز بین آن‌ها مبادله می‌شد. مرجان یکی از این کالاها بود که بعد از رسیدن به مصر از طریق بندر سوئز به سرزمین‌های جزیره‌العرب، هند و دیگر مناطق ارسال می‌شد (عبدالرحیم، *فصول من تاریخ مصر الاقتصادية...*، ۲۰۷؛ شومان، ۱۳۴). طرابلسیان نقش مهمی در تجارت مرجان استخراج‌شده از تونس ایفا می‌کردند و عائله‌های غریانی و ابن ملقه از سابقه طولانی در تجارت آن برخوردار بودند (عبدالمعطی، ۴۷). خاندان‌های تونس‌سی نیز در تجارت مرجان به‌دست‌آمده از سرزمین‌های خود مدت مدیدی فعالیت داشتند (همان، ۵۷).

ج. مغربیان و روابط تجاری مصر با اروپا

تجارت دولت‌های اروپایی با مصر در سایه سیاست‌های آل عثمان و معاهدات طرفین صورت می‌پذیرفت. از جمله سرزمین‌های اروپایی که در این دوره با مصر روابط تجاری برقرار کردند و نیز، فرانسه، ایتالیا و انگلستان بود. یکی از اقدامات مهم این دوره که تأثیرات مثبتی بر تجارت خارجی مصر داشت و به‌نوعی اقتصاد روبه‌زوال مصر را بعد از

کشف دماغه امید نیک^۱ که مورخان از آن به‌عنوان دوره اضمحلال مصر یاد می‌کنند (أباطة، ۶۵؛ فرید فتحی، ۷) تا اندازه‌ای احیا کرد، عقد پیمان‌های تجاری با دولت‌های اروپایی چون ونیز، فرانسه و انگلستان بود. معاهده سلطان سلیم اول با ونیزیان در ۲۲ محرم سال ۹۲۳ هـ/ ۱۴ فوریه ۱۵۱۷ به‌منظور تشویق ونیزی‌ها برای ورود کشتی‌ها و کالاهایشان به اسکندریه و از سرگیری فعالیت‌های تجاری از جمله این معاهدات بود (ابراهیم حسن، ۱۹۴۲، ۲۴۳؛ هریدی، *الجالیات الاروییه فی الاسکندریه العثمانیه*، ۲۰؛ احمدیانی، ۱۷۹-۸۰). این قرارداد ضمن بهره‌مند نمودن ونیزیان از امتیازات اقتصادی که در دوره مملوکان از آن محروم بودند، زمینه رقابت دولت‌های اروپایی برای کسب هر چه بیشتر این امتیازات را فراهم کرد.

معاهده با ونیزی‌ها ۳۲ بند داشت که در آن ونیزی‌ها علاوه بر بهره‌مندی از برخی مصونیت‌های قضایی از امتیازات زیادی برخوردار شدند. معافیت‌های مالیاتی، برخورداری کنسول ونیز از حق تجارت نامحدود، استرداد ونیزی‌های فراری به کنسول ونیز توسط قاضی، عدم تعرض افراد و صاحب‌منصبان به کشتی‌های ونیزی و منع دستیابی حاکم اسکندریه و سایر بزرگان به کشتی‌های مذکور، نوسازی و بازسازی مسافرخانه‌های ونیزی، آزادی آمدوشد ونیزی‌های در تمام مکان‌های اسکندریه و بازگرداندن اجناس کشتی‌های غرق‌شده ونیزی به کنسول ونیز یا صاحبان کالاها، از جمله امتیازات در نظر گرفته شده برای ونیزی‌ها بود (رمضان، *تاریخ سواحل مصر الشمالیه عبر العصور*، ۹-۲۹۲). سلطان سلیمان نیز در ۹۳۵ هـ/ ۱۵۲۸ در قراردادی با فرانسه امتیازات مشابهی را به آنان اعطا کرد که بر اساس آن فرانسویان از امنیت مالی و جانی، آزادی دینی و تجاری و عدم تعرض به کشتی‌هایشان برخوردار شدند (همان، ۳۰۰-۲۹۹؛ ذهنی، ۱۹۹۱، ۲۹). همچنین در ۹۸۸ هـ/ ۱۵۸۱ م هم‌زمان با حکومت مرادبک پیمان مشابه دیگری با انگلستان منعقد شد (رمضان، *تاریخ سواحل مصر الشمالیه عبر العصور*، ۳۰۹). رقابت دولت‌های اروپایی از جمله فرانسه و انگلستان برای حفظ منافع و امتیازات اقتصادی خود در مصر از طریق نزدیکی با سلاطین عثمانی یا برقراری ارتباط با بکوات^۲ و حکام

۱. کشف دماغه امید نیک توسط واسکو دوگامای پرتغالی در سال (۱۴۹۷-۹/۹۰۳-۵) با طرد مصر از مسیر تجارت اروپا به شرق، ضربه محکمی را بر اقتصاد این سرزمین وارد آورد. این رویداد ابتدا سرزمین مصر را از ثروت حاصل از تجارت و قدرت ناشی از آن محروم کرد و سپس با ضربه مهلک اقتصادی موقعیت سیاسی مصر را تضعیف نمود (أباطة، ۴۸).

۲. بک: اصطلاحی ترکی است که به بزرگان و صاحبان صلاحیت اطلاق می‌شد. این اصطلاح بعد از سیطره عثمانی‌ها بر مناطق عربی شیوع یافت و به عنوان لقبی برای حاکمان ولایات یا مقاطعه بکار رفت (عامر، ۳۶۹).

محلی مصر در سده‌های بعد نیز استمرار یافت (شیال، ۱۳۳، ۱۳۸). کشورهای اروپایی علاوه بر صادرات کالاهایی چون پارچه‌های پشمی و پنبه‌ای، کاغذ، مس، سرب و روی به مصر، بخشی از کالاهای مورد نیاز خود نظیر زعفران، پوست گاو، نمک، صابون و شکر، عاج، صمغ عربی و پر شترمرغ را از بازار مصر خریداری می‌کردند (حامدمغیث، ۴۲؛ جیرار، ۲۸۷-۳۱۵/۱).

نقشی که خاندان‌های مغربی در روابط تجاری مصر با اروپا ایفا کردند کمتر از سهم آنان در دیگر حوزه‌های تجاری نبود. بخشی از کالاهای موجود در تجارت مصر با اروپا چون پارچه‌های هندی، شکر، زعفران، ادویه و صابون، به‌وسیله خاندان‌های مختلف مغربی همانند طرابلسی، تونسسی، جزائری، مراکشی و اندلسی مهیا می‌گشت. بدین ترتیب مغربیان با در اختیار گرفتن تأمین و تجارت این کالاها، غیرمستقیم در روابط اقتصادی مصر با اروپا سهیم بودند. علاوه بر این، برخی از مغربیان همانند خاندان‌های تونسسی مستقیماً با اروپاییان روابط تجاری داشتند و واردات کالاهایی چون کاغذ، پارچه‌های پشمی اروپا، اسلحه و دیگر ملزومات را عهده‌دار بودند (عبدالمعطی، ۵۷). برای مثال عائله قسنطینی از جمله خاندان‌های تجاری الجزائری بود که در صادرات ادویه به فرانسه و ونیز از جایگاه مهمی برخوردار بود. محمد بن خواجه عثمان و برادرش قاسم بک از خاندان مذکور در نیمه دوم سده یازدهم هجری/ هفدهم میلادی، نقش برجسته‌ای در حیات اقتصادی و سیاسی مصر داشتند و در تجارت کالاهای اروپایی چون مرجان، آهن و قلع مشارکت داشتند (همان، ۷۸-۸۲).

د. مغربیان و روابط تجاری مصر با استانبول

یکی از پیامدهای فتح مصر توسط عثمانی‌ها، ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی برای تجار مصر و افزایش مبادلات تجاری بود (همان، ۱۹۸). بخش قابل توجهی از کالاهای مورد نیاز استانبول در مصر تأمین می‌شد. قهوه، برنج، عدس، شکر و کتان حجم زیادی از محموله‌های ارسالی مصر به استانبول را تشکیل می‌داد (Mikhail, 104-5, 108). خاندان‌های مغربی سهم زیادی در مبادلات تجاری مصر و استانبول داشتند. غانم و ناضوری از جمله خاندان‌های طرابلسی بودند که در حوزه تجارت مصر با ادرنه، ازمیر و استانبول، نقش فعالی بر عهده داشتند. برای مثال وحید قاصر فتح‌الله ناضوری، نقش مهمی در روابط تجاری مصر با ادرنه و استانبول داشت و کالاهایی چون قهوه، پارچه‌های

مصری و برنج به این مناطق صادر می‌کرد (عبدالمعطی، ۵۵-۶). آل أمغار و غراب نیز از خاندان‌های تونسی بودند که با صادرات قهوه و حبوبات به ازمیر و استانبول، جایگاه مهمی در مبادلات تجاری این مناطق داشتند. از دیگر کالاهایی که بیشترین درخواست را در استانبول و بازارهای اروپایی داشت می‌توان به ادویه، پارچه و به‌خصوص شکر اشاره کرد (حنا، ۱۶) که بخشی از تجارت آن به‌وسیله مغربیان صورت می‌پذیرفت. خواجه عثمان بن شحانه قسنطینی عضو یکی از خاندان‌های مهم الجزائری مستقر در مصر بود که کالاهایی همانند شکر و کتان را به استانبول صادر می‌کرد. خواجه محمد بن احمد مشهور به ابن‌مسمح و قاسم بن محمد جسوسی نیز از دیگر تاجران مغربی بودند که با صادرات کالاهایی نظیر شکر، قهوه و پارچه، نقش فعالی در روابط تجاری مصر با استانبول داشتند (عبدالمعطی، ۷۲، ۷۸، ۱۰۲، ۱۱۴).

خاندان‌های مغربی در دوره حاکمیت آل عثمان نقش بارزی در تجارت خارجی مصر با آفریقا، آسیا، اروپا و استانبول ایفا می‌کردند. اسناد محاکم شرعی این دوره نیز با اشاره به تعدادی از تاجران که مصر را مرکز فعالیت تجاری خود قرار داده بودند، از تاجران مغربی چون فاسی، تونسی و مراکشی یاد کرده است (حامد مغیث، ۴۱). در این ارتباط دوسویه که بین مغربیان و سرزمین مصر صورت می‌گرفت، تاجران مغربی علاوه بر صدور کالاهای مناطق خود به مصر، در مبادله کالاهای سرزمین‌های شرقی نظیر شام، حجاز، یمن، عراق و هند و همچنین کالاهای سایر مناطق آفریقا برای فروش در مصر یا صدور به سرزمین‌های دیگر، جایگاه مهمی داشتند. از مهم‌ترین این کالاها می‌توان به پارچه‌های حریر، پارچه‌های هندی، پارچه‌های پشمی، شال مغربی، دستمال، کمربند، روانداز پشمی، روغن، زیتون، صابون، شکر، لباس‌های پشمی، سنگ‌های قیمتی، قهوه، پوست، حبوبات، آهن، اسلحه و طرابیش (نوعی سرپوش و کلاه؛ نک: حلاق و صباغ، ۱۲۸) و دیگر کالاهای پراهمیت در جامعه مصری اشاره کرد (عبدالرحیم، المغاربة فی مصر فی العصر العثماني، ۷-۶۶). در کنار خاندان‌های تجاری مغربیان، حاجیان این مناطق نیز در رونق تجاری و اقتصادی مصر نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند (أحمد هریدی، ۲۸۰؛ علی عمر، ۲-۲۶۱).

خاندان‌های مغربی نقش‌آفرین در تجارت خارجی مصر

هرچند با فتح مصر گروهی از تاجران مغربی توسط سلطان سلیم به استانبول انتقال

یافتند^۱ (حامد مغیث، ۳۲؛ هریدی، اللیبیون و حیاتهم الاقتصادية...، ۲۰۷؛ صمیدی و الکیلانی، ۶۷)؛ ولی اقتصاد مصر در این دوره، هیچ‌گاه از نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری شایسته مغربیان بی‌بهره نبود. از تاجران مغربی به‌عنوان «اعیان تاجران» یاد شده است و به آن‌ها لقب خواجه از القاب تاجران بزرگ، داده شده است (عبدالرحیم، *فصول من تاریخ مصر الاقتصادية...، ۷-۳۶۱*؛ همو، *المغاربة فی مصر فی العصر العثماني، ۱۶۹*). نشانه درستی این ادعا، وجود بازارهای متعدد کالاهاى مغربی در مصر و نمایندگی‌هایی است که به اسم آنان در مصر فعالیت می‌کردند. وسعت و حجم فعالیت‌های تجاری مغربیان در مصر و دستیابی آن‌ها به انحصارات تجاری در برخی کالاها همانند پارچه‌های هندی برای صادر نمودن به سایر سرزمین‌های عربی و اروپا، جایگاه رفیع و ارزشمندی را برای خاندان‌های تاجر مغربی در اقتصاد مصر فراهم ساخت و ثروت سرشاری را نصیب آنان کرد. از رهگذر این موقعیت و ثروت به‌دست‌آمده، خاندان‌های مغربی توانستند نمایندگی‌های بزرگ تجاری را در مصر از آن خود سازند. آن‌ها علاوه بر ایفای نقش گسترده در تجارت خارجی مصر، در زمینه خرید مستغلات، التزام زمین‌های زراعی^۲ (عبدالرحیم، *الریف المصری فی القرن الثامن عشر، ۱۱۱*) و قرض دادن به امرای ممالیک و دیگران نیز مشارکت داشتند (همو، *المغاربة فی مصر فی العصر العثماني، ۸۰-۷۹*) و گاه با رایزنی با سلطان حاکم، موجبات عزل والی قاهره را فراهم می‌ساختند (همو، *فصول من تاریخ مصر الاقتصادية...، ۳۷۱-۳۷۰*).

در ادامه برخی از این خاندان‌های بزرگ تجاری و فعالیت‌های اقتصادی آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. ابن‌ایاس در کتاب خود تحت عنوان *بدایع الزهور* که یکی از منابع مهم این دوره به شمار می‌آید، ضمن بیان انتقال صنعتگران و هنرمندان مصری به استانبول، به این امر اشاره کرده است که شایع شده تعدادی از مغربیان نیز در این مهاجرت حضور داشته‌اند (۱۸۲/۵).

۲. تاریخ ورود تاجران به نظام التزام اراضی زراعی به سال ۱۱۴۱ هـ/۱۷۲۸ م برمی‌گردد. عبدالرحیم ضمن این‌که ورود تاجران به دایره التزام را دلیل روشنی بر رشد سرمایه‌گذاری تجاری مصر در قرن دوازدهم/هجدهم و خودکفایی مالی مصر بیان می‌دارد، این ورود را با حوادث سیاسی مصر در آن عصر مرتبط دانسته است. نزاع‌های مصر در این دوره، به‌ویژه جدال‌های درونی ممالیک از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز ظهور این طبقه در التزام به شمار می‌رود. در حقیقت نیازهای اقتصادی امیران به سرمایه تاجران و از سوی دیگر فعالیت تاجران در قهوه که منبع مناسبی برای کسب سرمایه محسوب می‌شد، موجب رشد و ظهور تاجران ملتزم گردید (الریف المصری فی القرن الثامن عشر، ۱۲-۱۰۹).

عائله شرایبی، که اصل آنها از شهر فاس بود، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین خاندان مغربی تأثیرگذار در تجارت مصر بودند (همان، ۱۶۵). فعالیت خاندان شرایبی تنها محدود به تجارت نبود و با خرید التزام^۱ اراضی زراعی، دکان‌ها و حمام‌ها در قرن دوازدهم هجری/هجدهم میلادی در قامت خاندانی سرمایه‌دار و سرمایه‌گذار در مصر روزگار آل عثمان ظاهر شدند. این خاندان از طریق تجارت پارچه و قهوه به ثروت زیادی دست یافتند و در شمار ثروتمندترین تاجران مصری درآمدند؛ آنها تا بدان حد در کار خود پیشرفت کردند که برای مدیریت و نظارت امور تجاری خود دفاتر نمایندگی در بنادر دریای سرخ، سوئز، قسیر، جده و مخا تأسیس کردند. آنها این توانایی را داشتند که حتی به امیران مملوکی نیز وام یا مبالغی را به‌عنوان قرض پرداخت کنند (همو، المغاربة فی مصر فی العصر العثماني، ۷۹). همچنین، تعداد قابل توجهی از علما، تاجران، نظامیان و رجال دینی و مذهبی مصر برای دریافت کمک مالی به آنها رجوع می‌کردند (عبدالمعطی، ۹-۹۱).

خاندان آبار از دیگر خاندان‌های مغربی بودند که در سده یازدهم هجری/هجدهم میلادی در عرصه اقتصاد مصر ظهور کردند و همانند شرایبی نه‌تنها در تجارت بلکه در زمینه‌های دیگر به‌ویژه سرمایه‌گذاری در التزام زمین‌های زراعی شرکت داشتند. عائله آبار در سده دوازدهم هجری/هجدهم میلادی به‌قدری پیشرفت نمود که در شمار یکی از بزرگ‌ترین خاندان‌های تجاری مصر درآمد (عبدالرحیم، *فصول من تاریخ مصر الاقتصادية...*، ۱۶۵). خواجه حاج احمد حدق مشهور به آبار، از تاجران بزرگ قهوه در قاهره در نیمه اول قرن دوازدهم هجری/هجدهم میلادی از جمله تاجران مشهور وابسته به این خاندان بود (همو، *الریف المصری فی القرن الثامن عشر*، ۱۱۱).

تربانه را باید یکی از مشهورترین خاندان‌های طرابلسی به شمار آورد که تعداد زیادی از تاجران منسوب به این خاندان به تجارت خاک طلا می‌پرداختند. سلیمان تربانه و خواجه ابراهیم از تاجران مشهور این خاندان بودند. در سده یازدهم هجری/هجدهم میلادی خواجه ابراهیم به لطف فعالیت‌های تجاری گسترده‌اش، یکی از شخصیت‌های مهم تجاری اسکندریه به شمار می‌رفت.

عائله غانم خاندان طرابلسی دیگری بود که در نیمه اول قرن یازدهم هجری/

۱. التزام در اصطلاح به نظامی گفته می‌شود که در آن درآمد‌های حکومتی در قبال مبلغ معین به متعهدان (ملتزمان) واگذار می‌گردد (صابان، ۳۵؛ عامر، ۳۶۳).

دوازدهم میلادی به مصر هجرت کردند. حاج صالح بن احمد غانم از تاجران مشهور این عائله بیشتر به صادرات قهوه از مصر به ازمیر و استانبول می‌پرداخت. کاربرد لقب «کاپیتان» برای این خاندان از نقش مهم آنان در تجارت دریایی حکایت دارد.

عائله ناضوری منسوب به شهر طرابلس، از دیگر خاندان‌های مهم تجاری در مصر در قرن ۱۱ هـ/ ۱۷ م به شمار می‌آمد. حاج عبدالقادر بن احمد ناضوری پس از استقرار در اسکندریه بین ۷۰-۱۰۶۰ هـ/ ۹-۱۶۵۰ م، به صادرات کالاهایی نظیر برنج، پارچه‌های مصری، قهوه، گوگرد و صابون از مصر به سرزمین‌های دیگر روی آورد. وحید قاصر فتح‌الله از دیگر اعضای شهیر این خاندان تجارت پیشه، نقش مهمی در روابط تجاری مصر با آدرنه و استانبول داشت و در تجارت طلا نیز فعالیت می‌کرد (عبدالمعطی، ۶-۵۰).

مغاری‌ها از خاندان‌های مهم تجاری تونس بودند که در زمینه تجارت روغن در مصر به شهرت دست یافتند. خواجه عمر بن مغار جربی رئیس این خاندان، از تاجران بزرگ روغن در قاهره به شمار می‌آمد. خواجه عیسی بن عمر بن مغار و خواجه سعید بن احمد بن ابراهیم از دیگر تاجران مشهور این خاندان بودند. عائله مغار در نتیجه فعالیت‌های تجاری و مالی خود در قرن ۱۲ هـ/ ۱۸ م، از خاندان‌های تأثیرگذار در تاریخ مصر محسوب می‌شدند (عبدالرحیم، المغاریة فی مصر فی العصر العثماني، ۷۱).

عائله أمغار یکی دیگر از خاندان‌های مهم تونس بود که در تجارت ادویه شهرت داشت. خواجه احمد بن مسعود بن قاسم أمغار و خواجه عیسی بن عمر بن عبدالرحمن أمغار از جمله شخصیت‌های تجاری فعال این عائله محسوب می‌شوند.

خانواده‌های جلمام و جمیع از دیگر خاندان‌های مهم تجاری از تونس بودند که به ترتیب در روابط تجاری مصر با استانبول و تجارت با شرق مدیترانه فعالیت داشتند.

عائله غراب از جمله خاندان‌های مهم تونس نیز در نیمه دوم قرن دهم هجری/ شانزدهم میلادی به مصر مهاجرت کرده بودند. خواجه عبدالعزیز بن علی صفاقسی مشهور به غراب از افراد مشهور این خاندان، صادرات حجم زیادی از قهوه، حبوبات، برنج و عدس به استانبول به دست گرفته بود؛ وی همچنین در کنار این فعالیت‌ها، در تجارت قهوه و ادویه در دریای سرخ فعالیت نیز می‌کرد. از تاجران دیگر این خاندان خواجه عمر بن علی غراب در تجارت پارچه‌های هندی فعالیت می‌کرد (عبدالمعطی، ۷۳-۶۴).

عائله کهن را نیز می‌توان از دیگر خاندان‌های مهم مغربی به شمار آورد که در عرصه تجارت و بازرگانی شهرت زیادی به دست آورده بودند و خواجه حاج عبدالکریم کهن بن

حاج عبدالرحمن و برادرش خواجه حاج محمد کهن بن حاج عبدالرحمن از تاجران بزرگ پارچه‌های هندی از این خاندان به شمار می‌آمدند. خاندان مذکور علاوه بر تجارت، در زمینه التزام اراضی زراعی و خرید املاک و مستغلات نیز فعالیت داشت. عائله سقاط نیز از خاندان‌های مغربی فعالیت در زمینه تجارت پارچه، قهوه و مرجان را برگزیده بودند (عبدالرحیم، المغاربة فی مصر فی العصر العثماني، ۲-۷۱).

خاندان قسنطینی از قسنطینه در الجزایر در نیمه اول قرن چهارم هجری/دهم میلادی به مصر مهاجرت کردند و در تجارت ادویه، پارچه و کتان به فعالیت پرداختند. عثمان بن شحاته از اعضای این خاندان در صادرات ادویه به فرانسه و ونیز جایگاه مهمی داشت. برخی دیگر از اعضای این خاندان نظیر محمد بن خواجه عثمان و برادرش قاسم روابط تجاری مستحکمی با استانبول داشتند (عبدالمعطی، ۸۲-۷۷).

خاندان جمالی یکی دیگر از خاندان‌های مغربی بود که در قرن یازدهم و دوازدهم هجری/هفدهم و هجدهم میلادی در عرصه اقتصادی به‌ویژه تجارت قهوه و پارچه به شهرت رسید. شیخ نورالدین علی بن شیخ ابوالقاسم جمالی از تاجران مشهور این عائله، به منصب ریاست بازار مغربیان (شیخ رواق مغربیان) نیز دست یافت (عبدالرحیم، المغاربة فی مصر فی العصر العثماني، ۷۱).

خاندان عشوبی نیز از عائله‌های مهم فاسی، در نیمه اول قرن دوازدهم هجری/هجدهم میلادی به مصر مهاجرت کرد. آل عشوبی در ارتباط با سرزمین‌های طلا نظیر کانو(در نزدیکی نیجر نک: ابن‌الوزان الزیاتی، ۵۵۰) و تمبکتو(غرب سودان)، جایگاه مهمی را در تجارت طلا به دست آوردند. خواجه محمد عشوبی از تاجران مهم این خاندان با تجارت در دریای سرخ در ۱۲۱۳ هـ/۱۷۹۸ م از شخصیت‌های مهم بازار غوریه به شمار می‌آمد. این خاندان علاوه بر تجارت طلا، نقش بارزی نیز در تجارت پارچه‌های هندی و قهوه داشتند.

عائلة ابن‌مسمح نیز از خاندان‌های مهم اندلسی به شمار می‌آمد که در مصر به‌ویژه منطقه رشید مستقر بود و نقش مهمی در تجارت با بندرهای شرقی دریای مدیترانه به‌خصوص استانبول ایفا می‌کرد. خواجه محمد بن احمد مشهور به ابن‌مسمح روابط گسترده‌ای با استانبول، ازمیر و بیروت برقرار کرده بود. وی همچنین صادرات شکر را بر عهده داشت که تنها کالای تجاری آل مسمح نبود؛ آنها علاوه بر آن، در تجارت قهوه نیز فعالیت داشتند.

عائلة برجی از جمله خاندان‌های مهم اندلسی، بعد از سقوط غرناطه، ابتدا به تونس و

سپس قاهره مهاجرت کردند. حاج قاسم بن علی بن احمد مغربی مشهور به برجی از جمله تاجران مشهور این خاندان، در تجارت طلا فعالیت می‌کرد. خواجه عبدالعزیز از دیگر بزرگان این خاندان نیز نقش برجسته‌ای در روابط تجاری اسکندریه و رشید از یک سو و بندرهای تونس از سوی دیگر ایفا می‌کرد. تجارت روغن یکی از مهم‌ترین عرصه‌های فعالیت این خاندان بود؛ برجی‌ها نقش مهمی در واردات روغن‌زیتون از تونس به مصر و صادرات آن به حجاز ایفا داشتند (عبدالمعطی، ۱۶-۱۰۲).

نتیجه‌گیری

به‌رغم بروز آشفتگی، بی‌نظمی و تلاطم اولیه ناشی از تصرف قاهره از سوی عثمانی‌ها در اوضاع اقتصادی مصر، فعالیت‌های تجاری این سرزمین، به‌ویژه در حوزه تجارت خارجی، به‌سرعت جریان عادی خود را بازیافت. علاوه بر این، با توجه به فرصت‌های جدیدی که به واسطه ارتباط با استانبول فراهم شد، فعالیت‌های تجاری در مصر رونق و شکوفایی نسبی یافت. بخشی از رونق تجارت در مصر در این دوره معلول حضور و فعالیت خاندان‌های تجاری سرزمین‌های دیگر به‌ویژه مغربیان در مصر بود. خاندان‌های مغربی، که بنابر دلایل سیاسی، اقتصادی، مذهبی، دینی و فرهنگی، رهسپار مصر شده بودند، در روزگار تسلط آل عثمان نقش برجسته‌ای را در تجارت خارجی مصر ایفا کردند. در واقع، بخش قابل توجهی از رونق در تجارت مصر با سرزمین‌های دیگر در این دوره مرهون فعالیت خاندان‌های تجارت‌پیشه مختلف اندلسی، طرابلسی، تونس‌ی، جزائری و مراکشی بود. حاصل این حضور چشمگیر و موفقیت‌آمیز، ارتقای منزلت و ثروت فراوان این خاندان‌های تجارت‌پیشه مغربی در مصر عصر عثمانی بود. به‌علاوه حضور مؤثر این تاجران، عملاً راه را برای مشارکت آنان در سایر عرصه‌های اقتصادی این سرزمین، نظیر سهام شدن در التزام اراضی زراعی و قرض دادن اموال گشود و به تدریج آن‌ها را به تاجران ثروتمند و مشهور سرزمین مصر در روزگار تسلط آل عثمان تبدیل کرد. از دیگر پیامدهای این مهم، رواج کالاهای مغربی در مصر، انحصار تجارت برخی کالاها توسط آن‌ها، اختصاص بازارهایی در مصر به خاندان‌های مغربی و وجود نمایندگی‌های تجاری به اسم آن‌ها بود.

منابع

- أباظة، فاروق عثمان، *اثر تحول التجارة العالمية الى راس الرجا الصالح على مصر و عالم البحر المتوسط اثناء القرن السادس عشر*، قاهره: دارالمعارف، ١٩٩٤م.
- ابراهيم حسن، حسن، *المجمل في التاريخ المصري*، قاهره، الهيئة العامة لقصور الثقافة، قاهره: ١٩٤٢م.
- ابن اياس الحنفي، محمد بن احمد، *بدايع الزهور في وقائع الدهور*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٨٤م.
- أحمد هريدي، صلاح، الحجازيون وحياتهم الاقتصادية والاجتماعية في مدينة الاسكندرية في العصر العثماني، *المورخ العربي*، العدد ٣٣، السنة ١٤٠٧.
- أحمد ياغي، اسماعيل، *العالم العربي في التاريخ الحديث*، رياض: مكتبة العبيكان، ١٩٩٧م.
- اسحاقى المنوفى، محمد عبدالمعطى بن أبى الفتح بن احمد بن عبدالمغنى بن على، *لطائف اخبار الأول فيمن تصرف في مصر من أرباب الدول*، قاهره: مكتبة الايمان، ١٤٢٠.
- ابن الوزان الزياتى، حسن بن محمد، *وصف أفريقيا*، قاهره: مكتبه الاسدى، ٢٠٠٥م.
- باشا مبارك، على، *الخطط التوفيقية لمدينة الاسكندرية*، بولاق، مكتبة الاداب و مطبعتها بالجماميز، ١٩٨٩م.
- بقاى، محمد قنديل، *المختار من تاريخ الجبرتي*، اسكندريه: مطابع الشعب، ١٩٥٨م.
- بكرى، محمد ابن ابى السرور، *الروضة المأنوسة في اخبار مصر المحروسة*، تحقيق و تعليم: عبدالرزاق عيسى، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية، ١٩٩٧م.
- همو، المنح الرحمانية في الدولة العثمانية و ذيله اللطائف الربانية على المنح الرحمانية، دمشق: دارالبشائر، ١٤١٥هـ / ١٩٩٥م.
- تونسى، محمد بن عمر، *تشحيد الأذهان بسيرة بلاد العرب و السودان*، تحقيق خليل محمود عساكر و مصطفى محمد مسعد، قاهره: مكتبه الاسره، ٢٠٠٧م.
- جبرتي، عبدالرحمن بن حسن، *عجائب الآثار في التراجم و الأخبار*، قاهره، مطبعة دارالكتب المصرية بالقاهرة، ١٩٩٧م.
- جيرار، ب.س، *وصف مصر موسوعة الحياة الاقتصادية في مصر في القرن الثامن عشر الزراعة - الصناعات و الحرف - التجارة*، ترجمه: زهير الشايب، جزء اول، القاهرة، [بى نا]، [١٩٧٨].
- حامد مغيث، كمال، *مصر في العصر العثماني ١٧٩٨-١٥١٧م*، تقديم رؤوف عباس، قاهره، مركز الدراسات و المعلومات القانونية لحقوق الانسان، ١٩٩٧م.
- حلاق، حسان و صباغ، عباس، *المعجم الجامع في المصطلحات الأيوبية و المملوكية و العثمانية ذات الأصول العربية و الفارسية و التركية*، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٩٩م.
- دمرداشى، امير احمد، *الدرة المصانة*، قاهره، المعهد العلمى الفرنسى للآثار الشرقية بالقاهرة، ١٩٨٩م.

- ذهني، الهام محمد علي، *مصر في كتابات الرحالة الفرنسيين في القرنين السادس عشر والسابع عشر*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٩١ م.
- رمضان، عبدالعظيم، *الاسكندرية في العصر الحديث*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٩٣ م.
- همو، *مصر قبل عبدالناصر*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٩٥ م.
- همو، *تاريخ سواحل مصر الشمالية عبر العصور*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ٢٠٠١ م.
- شومان، محسن علي، «جمارك البهار في مصر العثمانية»، *الاجتهاد*، عدد ٣٣، خريف ١٤١٧.
- شبال، جمال الدين، *دراسات في تاريخ الاسلامي*، الاسكندرية، مكتبة الثقافة الدينية، ٢٠٠٠ م.
- صابان، سهيل، *المعجم الموسوعي للمصطلحات العثمانية التاريخية*، الرياض، مكتبة الملك فهد الوطنية، ٢٠٠٠ م.
- صميدعي، زياد حمد و الكيلاني، جمال الدين الفالح، *تاريخ الدولة العثمانية*، فاس، المنظمة المغربية للتربية و الثقافة و العلوم، ٢٠١٣ م.
- عامر، محمود، «المصطلحات المتداولة في الدولة العثمانية»، *دراسات تاريخية*، العددان ١١٨-١١٧ كانون الثاني - حزيران لعام ٢٠١٢.
- عبدالرحيم، عبدالرحيم عبدالرحمن، *المغاربة في مصر في العصر العثماني*، تونس: منشورات المجلة التاريخية المغربية ودويان المطبوعات الجامعية، ١٩٨٢ م.
- همو، *الريف المصري في القرن الثامن عشر*، قاهره: مكتبة مدبولي، ١٩٨٦ م.
- همو، *فصول من تاريخ مصر الاقتصادي والاجتماعي في العصر العثماني*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٩٠ م.
- عبدالله أبوالروس، خالد حامد السيد، *مدينة مصر القديمة في القرن السابع عشر الميلادي*، قاهره: عميد كلية الآداب - جامعة القاهرة، [بى تا].
- عبدالمعطي، حسام محمد، *العائلة و الثروة - البيوت التجارية المغربية في مصر العثمانية*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ٢٠٠٨.
- علي عمر، سميرة فهمي، *إمارة الحج في مصر العثمانية*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ٢٠٠١ م.
- فريد فتحي، محمد، *في جغرافية مصر*، الاسكندرية، دارالمعرفة الجامعية، ٢٠٠٠ م.
- كامل عبده، مصطفى، *حكاية مصر و بلاد السودان في العصر العثماني*، قاهره: الهيئة العامة لقصور الثقافة، ٢٠١٤ م.
- مخلوف، ماجدة، *القانون الاداري لولاية مصر في العهد العثماني في ضوء التشريع الاسلامي*، قاهره: دارالافاق العربية، ٢٠٠٨ م.
- مهري كركوكي، محمد، *رحلة مصر و السودان*، فجاله، مطبعة الهلال، ١٣٣٢ هـ.

- حنا، نللى، *تجار القاهرة فى العصر العثمانى سيرة أبوطاقيه شاهبندرالتجار*، ترجمه روءف عباس، قاهره: الدار المصرية اللبنانية، ١٩٩٧م.
- هرىدى على، صلاح احمد، *الجاليات الاروبية فى الاسكندرية العثمانى*، اسكندريه، دارالمعرفة الجامعية، ١٩٨٩م.
- همو، الليبيون و حياتهم الاقتصادية و الاجتماعية فى مصرالعثمانية، مؤتمر العلاقات المصرية الليبية عبرالعصور، معهد الدراسات الإفريقية - جامعة القاهرة، ٢٠٠٨م.
- ياقوت حموى، ياقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بيروت: دار صادر، ١٩٩٥م.
- Barkan, Omer lutfi, *XV ve XVI inci asirlarda Osmanlı İmparatorluğu'nda zirai ekonominin hukuki ve mali esaslar*, Istanbul: İstanbul Üniversitesi İktisat Fakültesi, 2001.
- Mikhail, Alan, *Nature and empire in Ottoman Egypt: an environmental history*, Cambridge: Cambridge university press, 2011.